

نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله؛ رویکرد روش‌شناختی

## The role of The question-driven encounter with Ayat al-Shakilah: Methodology approach

Ahad Faramarz Gharamaleki\*

احد فرامرز قراملکی\*

### Abstract:

*I use the question-driven encounter in interpretation against the theory-driven encounter as a methodological principle in the understanding and interpretation of the verse. With implementation of different issues can analysis various dimensions of the verse and avoid from comparison and a vote commentary. In this article by case study method we will show the role of the question-driven encounter in interpretation of ayat al-Shakilah (Isra/۸۴). The method of research is the logical analysis in three species: conceptual analysis, propositional analysis and system analysis and text. According to any of the three kinds of analysis, will come very issues: Argument of the verse began with command tell, argument of removing the whole augends, essence of whole augend, differentiation of "Ya'mal" of "Amal", purporst of "ala", the conceptual analysis of "shakilah", being reality or externality of verse, search of "Yamal" quantification, semantic link of the cipher and appendix of verse, the semantic link of verse with previous and after verse. Each of these issues is the beam in a deeper understanding of the verse. The question - driven encounter demonstrate, the typology of question, methodology of problem's solving and the process of passing through the hypothesis (conjectural answer the question) to the theory. Taking an interdisciplinary approach and interpretation of the verse can do the phenomenology of "Shakilah" richer and effective.*

**Keywords:** Shakilah, Mannerism, Methodology of the interpretation, Question-driven encounter, Reality and externality, Pattern of behavior.

### چکیده:

در این مقاله، مواجهه مسئله محور در تفسیر، در برابر مواجهه نظریه محور به مثابه اصل روش‌شناختی در فهم و تفسیر آیه به کار رفته است. با طرح مسائل مختلف می‌توان ابعاد گوناگون آیه را تحلیل کرد و از تطبیق و تفسیر به رأی دوری جست. در این مقاله به شیوه موردپژوهانه، نقش مواجهه مسئله محور را در تفسیر آیه شاکله (الاسراء/ ۸۴) نشان می‌دهیم. روش تحقیق، تحلیل منطقی در سه گونه تحلیل: مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی و متنی است. بر حسب هر یک از سه‌گونه تحلیل، مسائل فراوانی به میان می‌آیند: چرایی آغاز شدن آیه با فرمان بگو، چرایی حذف مضاف‌الیه کل، چیستی مضاف کل، تمایز فرآیند یعمل از عمل، مفاد علی، تحلیل مفهومی شاکله، حقیقی یا خارجی بودن آیه، جستجو از سور یعمل، پیوند معنایی صدر و ذیل آیه، پیوند معنایی آیه با آیه‌های پیشین و پسین. البته هر یک از این مسائل، پرتوی در فهم ژرف‌تر آیه است. مواجهه مسئله محور، گونه‌شناسی مسئله، روش‌شناسی حل مسائل و فرآیند عبور از فرضیه به نظریه را نشان می‌دهد. اخذ رویکرد بین رشته‌ای و تفسیر آیه، می‌تواند پدیدارشناسی شاکله را غنی‌تر و اثر بخش سازد.

**کلیدواژه‌ها:** شاکله، ملکه، روش‌شناسی تفسیر، مواجهه مسئله‌محور، حقیقی و خارجی، الگوی رفتار

\* Professor at the Philosophy Department of university of Tehran.

\*استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران.  
akhlagh\_۸۰@yahoo.com

## بیان مسئله

وحی اسلامی پیام خدا برای انسان‌هاست. مخاطبان این پیام مواجهه‌های گوناگون با آن دارند: اعراض، تکذیب، اقبال، ایمان و تصدیق، تأویل، مواجهه وجودی، عمل به آموزه‌ها. اما تدبر در آیات و تفسیر آنها، از مواجهه‌های پس از اقبال و روی آوردن به آیات‌اند. اثربخشی تدبر و تفسیر در قرآن، شرایط گوناگونی دارد. مواجهه مسئله محورانه با آیات یکی از شرایط اثربخشی تدبر در قرآن است. در اینجا مسئله را به اصطلاح پژوهشی و متفاوت از پرسش در اصطلاح آموزشی به کار می‌بریم. در این مواجهه آیه قرآن چون دریایی پر دُر و مسئله ابزار صید دُر‌ها است. به تمثیل دیگر، آیات به مثابه استاد علامه‌ای است خاموش و مسائل همچون دانشجوی هوشمندی است که استاد را به افاده برمی‌انگیزد. هر چه مسائل دقیق‌تر، منقح‌تر و ژرف‌تر باشد، امکان افاده و استفاده بیش‌تر است.

یکی از آیات ژرف‌پیام و پرمعنا در قرآن، آیه ۸۳ سوره اسراء است. این آیه را به سبب اشتغال بر مفهوم ژرف شاکله، مفهومی که تنها در این آیه از قرآن آمده، آیه شاکله می‌خوانیم. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که مفسران برخوردار از چشم مسئله‌یاب، حقایق بیش‌تری را از این آیه برگرفته‌اند. هویت پیام بودن وحی اسلامی، حق طرح دو سؤال برای مخاطبان را به میان می‌آورد: چه می‌گویی؟ و چرا چنین می‌گویی؟ این دو سؤال به وسیله مسئله‌های فرعی‌تر، غنی می‌شوند و ابعاد و سطوح گوناگون پیدا می‌کنند.

مواجهه مسئله محور به تفسیر آیه شاکله را در برابر مواجهه نظریه محور به کار می‌برم. بر اساس این کاربرد، میان دو گونه مواجهه می‌توان تمایز نهاد:

یک) گاهی فرد به سبب تعلق خاطر به گستره خاص معرفتی، نظریه‌ای را اخذ می‌کند و در مواجهه با تفسیر، آیه را همچون آینه‌ای برای رؤیت آن نظریه در برمی‌گیرد. فرض کنید روان‌شناس وابسته به مکتب روان تحلیل‌گری فرویدی که نظریه ناهشیار شخصی فروید را برگرفته؛ وقتی به آیه شاکله می‌رسد، چنین می‌فهمد که هرکسی (در هشیار) بر طبق ناهشیار شخصی عمل می‌کند. اگر روان‌شناس به مکتب روان-شناسی تحلیلی یونگ تعلق خاطر داشته باشد، آن را براساس ناهشیار جمعی تفسیر می‌کند و پیرو نظریه فرانکل، آیه را گویای ناهشیار متعالی می‌یابد. متخصص اناگرام، شناخت تیپ‌های شخصیتی را در آیه مشاهده می‌کند. در تاریخ تفسیر می‌بینیم که فیلسوفان مشایی، شاکله را همان ملکه نفسانی دانسته‌اند که افراد کنش خود را بر وفق آن بروز می‌دهند. مواجهه نظریه‌محور می‌تواند دامی برای تفسیر به رأی و تطبیق در اصطلاح علامه طباطبایی باشد.

دو) مواجهه دیگر، عرضه مسئله یا مسائل به آیه و جستجوی روشمند از پاسخ به مسئله است. این رهیافت را مواجهه مسئله‌محور می‌خوانیم. مواجهه مسئله‌محور، فرضیه تحقق (و نه نظریه مختار) را همراه با فرضیه‌های رقیب به میان می‌آورد. عبور از فرضیه به نظریه و آزمون آن و نقد فرضیه‌های رقیب، روش مناسب را نشان می‌دهد. همچنین مواجهه مسئله‌محور، مذاقه در گونه‌شناسی مسئله را سبب می‌شود و گونه‌شناسی مسئله و روش و فنون تفسیر (اینک حل مسئله تفسیری) را به میان می‌آورد. مثلاً چندتباری بودن مسئله، نشان می‌دهد که از اخذ رهیافت بین‌رشته‌ای گریزی نیست.

در این نوشتار، فهرستی از مسائل قابل تأمل در

جستجوی نگارنده، مطالعه‌ای جدید است. تحقیق حاضر برای دست‌یابی به مسائل در تفسیر آیه شاکله، رویکرد تحلیلی و منطقی را در بر گرفته است. در این رویکرد سه شیوه تحلیل، می‌تواند تور شکار مسائل باشد. یک) تحلیل مفهومی می‌تواند مسائل مربوط به مفاهیم مندرج در آیه را شکار کند. دو) تحلیل گزاره‌ای نیز می‌تواند مدعای نهفته در آیه را در ساختار یک قضیه منطقی از حیث کم (سور)، کیف، جهت و سایر عناصر، تحلیل کند و مسائل مربوط به ساختار گزاره‌ای را نشان دهد. سه) تحلیل سیستمی با پرسش از سیاق و نیز با رهیافت پدیدارشناختی به نظام معرفتی در قرآن (جهان‌بینی قرآنی) آیه را واشکافی کند. بر پایه این روش، مسائل تفسیر کننده آیه شاکله بر سه گونه طبقه‌بندی می‌شوند.

#### مفاهیم؛ خاستگاه مسائل

هر آیه‌ای بر اساس مفاهیم به هم پیوسته‌ای سامان می‌یابد. شرط لازم (و نه کافی) فهم پیام آیه، درنگ در هر یک از مفاهیم و کشف پیوستگی بین آنهاست. این درنگ می‌تواند مسائل و پرسش‌های گوناگونی را به میان آورد. هر مسئله کلیدی معرفتی است.

۱- «قل». چرا مفاد (کل يعمل علی شاکله) با فرمان «بگو» آغاز شده است؟ در قرآن آیات فراوانی از این خصلت برخوردار هستند. این آیات بر دو گونه‌اند:

۱) گزارش پرسش مخاطبان وحی از پیامبر و امر به بیان پاسخ آنان است؛ مانند (بَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي) (الاسراء/۸۵).

۲) آیاتی که امر به بیان مطلب مسبق به پرسش

مواجهه با آیه شاکله را برمی‌شماریم و شرایط روش‌شناختی جستجو از آنها را بررسی می‌کنیم. بحث تفصیلی از هر یک از مسائل، محتاج مطالعه و نوشتار مستقل است. آیه شاکله پیوند مفهومی با آیه پیشین دارد. قرآن در آیه ۸۳ سوره اسراء از واکنش انسان (به نحو مهمله و یا کلیه) در قبال نعمت و شر سخن می‌گوید: (وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَسَا بِجَانِبِهِ وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَكَانَ يَوَسُّواً) در پی بیان واکنش انسان، رفتار آدمی از دو حیث تحلیل می‌شود: یک، از حیث الگویی که بر وفق آن الگو بروز می‌کند. دو، از جهت سبب و علتی که آن رفتار را به میان می‌آورد. تعبیر قرآن این است که [ای محمد] بگو هرکسی بر شاکله خود عمل می‌کند.

(قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا)

این آیه بنا به رأی مشهور، مکی است و از محکمت قرآن نیز هست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۳/۱۳). البته محکم بودن آیه، مانع به میان آمدن تفسیرهای گوناگون از شاکله نشده است و در تاریخ تفسیر در حدود سیزده تفسیر عمده از شاکله ارائه شده که تحلیل انتقادی آنها مجال دیگری می‌طلبد.

#### پیشینه و روش

اگرچه تفسیر آیه شاکله، پیشینه‌ای به قدمت تفسیر از صدر اسلام تاکنون دارد و در تحلیل مفهوم شاکله نیز مطالعه‌های اندکی (مانند لالانی و همکاران، ۱۳۹۱) منتشر شده، اما تحقیق حاضر بدون پیشینه است. در برخی از تفسیرها، مفسر مسئله‌محور به آیه روی می‌آورد؛ اما تحلیل روش‌شناختی از نقش راهبردی مواجهه مسئله‌محور به آیه، استقصاء مسائل (به نحو متمایز از پرسش) و طبقه‌بندی مسائل، برحسب

بپرسد: چرا هر انسانی؟ چرا مفاد آیه را فراگیرتر از انسان ندانیم؟ ممکن است مفاد آیه شامل سایر موجودات نیز باشد؛ چه انس و چه جن.

چرا نگوییم مراد از آن، هر موجود صاحب نفس ناطقه است، اعم از فلکی و خاکی؟ و چرا دامنه تعبیر را فراتر نبریم و نهاد جمله را هر موجود صاحب نفس، چه ناطقه و چه غیر ناطقه ندانیم؟ کسی ممکن است بیانی فراتر به میان آورد و بگوید مراد از آن هر موجودی، چه دارای نفس و چه دارای صورت مادی است. آیا مراد از کل، کل فاعل به طور مطلق است یا کل فاعل دارای شعور و علم است؟

آیا (کل یعمل علی شاکله)، خداوند متعال و فعل حضرت حق را نیز شامل می‌شود؟ تفسیر از عمومیت کل می‌تواند با دو مفهوم دیگر در آیه یعنی "یعمل" و "شاکله" پیوند یابد.

اگر "کل" را به معنای هر انسانی بدانیم، می‌توان پرسید: آیا نهاد جمله (انسان) مطلق است یا مقید؟ به ظاهر انسان به قیدهایی چون کافر، مؤمن، فاسق و صالح و مانند آنها مقید نیست. این اطلاق سبب گوناگونی‌پذیری شاکله می‌شود و آن را از معنای طبیعت مشترکه و حقیقت نوعیه انسان به معنای دقیق‌تر، حالت‌ها و خصلت‌های صنفی و فردی می‌آورد.

۳- «یعمل». درنگ در این تعبیر چند مسئله را به میان می‌آورد: یک) امروزه بین فعل و عمل تمایز می‌نهییم. این تمایز ناشی از مذاقه‌های فیلسوفان است. عمل یا کنش، برخلاف فعل، بر رفتار ارادی کنشگر دلالت دارد. در قرآن هم یفعل و هم یعمل آمده است اما نه با این تمایز. آیا مراد از یعمل مطلق اثر و فعل است؟ چه این که فعل صورت طبیعی و ناشی از

نیست؛ مثل آیات آغازین سوره‌هایی مانند ناس، فلق، توحید. در چنین آیاتی جستجو از علت آمدن فرمان "قل" به میان می‌آید.

مفسران در فهم آنها به درنگ و تدبیر در سر آغاز شدن آیه با فرمان "قل" پرداخته‌اند. اگر قسم نخست را الگوی فهم مفهوم "قل" و مصدر شدن آیه به آن کنیم، گونه دوم را هم از طریق جستجو از سؤال مقدر به گونه نخست برمی‌گردانیم. مثلاً در آیه مورد تفسیر می‌توان گفت پاسخ به سؤال مقدر مربوط به آیه پیشین را بیان می‌کند. این شیوه می‌تواند سبب خطای روش‌شناختی در تفسیر آیه باشد و چشم مفسر را به حقایق مربوط به "قل" نابینا کند. پس در چرایی آغاز شدن آیه با "قل" اگر بگوییم: زیرا پاسخ سؤال مقدر مربوط به آیه پیش را بیان می‌کند، باید دلایل کافی ارائه کنیم.

۲- «کل». واژه "کل" در عربی به اشتراک لفظ هم به معنای همه (کل مجموعی من حیث المجموع) و هم به معنای "هر" به کار می‌رود. معنای دوم سور کلی دال بر استغراق و به معنای هر یک از افراد و آحاد است. در این آیه "کل" به جای نهاد نشسته و تتوین به جای مضاف‌الیه محذوف است. مضاف‌الیه کدام است؟ مضاف و مضاف‌الیه مبتدا است.

اگر سور کل را جدا کنیم، می‌توان پرسید نهاد جمله (موضوع) کدام است؟ ظاهر آیه که تفاسیر متقدم هم بر آن رفته‌اند، نشان می‌دهد که نهاد جمله انسان است؛ زیرا "کل" در پی آیه قبلی است که در آن از دو واکنش انسان در برابر نعمت و شر سخن رفته است. "کل" یعنی هر انسانی. هر انسانی یعنی هر موجود صاحب نفس ناطقه ارضی؟ درنگ در آیه می‌تواند از عمومیت و نیز اطلاق و مقابل آن دو

وفق" یعنی چه؟ و اگر چنین است آیا آیه بیانگر سنخیت فلسفی بین فعل و ذات فاعل (سنخیت علی و معلولی) است و یا همسانی روان شناختی بین مثلاً تلقی، نیت، انگیزه، نیم رخ شخصیتی و رفتار است؟ آیا مراد، همانندی و نظیر بودن است و همسانی بین "یعمل" و "شاکله" را می‌رساند؟ علامه طباطبائی "علی" را بر وفق مناسب تفسیر کرده است (همان: ۱۹۰/۱۳).

آیا آیه جهت گیری و به سوی چیزی بودن "یعمل" را می‌رساند و می‌گوید: "یعمل" در جهت شاکله است. در بیت ۲۸۹ دفتر نخست مثنوی مولوی، هر دو معنا (بر وفق و به سوی) آمده است (مولوی، ۱۳۸۱).

«هریکی سوی مقام خود رود، هریکی بر وفق نام خود رود»، و شاید "علی" به ریشه و منشاء "یعمل" اشاره دارد: امری که عمل را می‌زاید، صرف نظر از این که عمل به آن مانند می‌شود؛ همچون نیت یا ملکه.

۵- «شاکله». کلیدی ترین مفهوم در این آیه "شاکله" است. درنگ در این مفهوم که در قرآن تنها یکبار به میان آمده، مسائل فراوانی دارد. یک آیه شاکله، یک استعاره است، همان گونه که سید رضی می‌گوید (۲۰۴ و نیز نجفی: ۱۵۶/۱). دو معنای شاکله چیست و مصداق یا مصداق‌های آن کدام است؟ "شاکله" از کدام بن اخذ شده و معنای واژه و ریخت در این تعبیر چیست؟ مفسران در این مقام آرای گوناگونی دارند: عده‌ای آن را برگرفته از شکل به معنای مانند، شکل به معنای هیئت و گروهی نیز آن را از اشکال به معنای اشتباه دانسته‌اند و نیز از شکل به معنای بستن حیوان، دیدگاه عده‌ای است. آنها بر این اساس، تفسیرهای گوناگون ارائه کرده‌اند.

طبیعت باشد و یا فعل قسری باشد و یا فعل ارادی و یا اضطراری باشد. آیا مراد از یعمل رفتار ارادی و آگاهانه افراد است؟ پیوند این مسئله با مسئله نخست روشن است؛ زیرا برحسب تفسیر از مضاف الیه کل یعمل گونه‌های مختلف می‌یابد.

دو همچنین بیان "یعمل" متمایز از "عمل" به فرآیند تحقق عمل اشاره دارد، چه این که آن فرآیند طبیعی باشد یا مصنوعی و یا اختیاری. سر تعبیر مشیر به فرآیند تحقق عمل چیست؟ آیا هریک از مراحل فرآیند تحقق عمل و نیز نتیجه فرآیند تابع شاکله و بر وفق آن است؟ به عنوان نمونه، آیا همان گونه که صدقه دادن یا صدقه ندادن تابع شاکله است، آیا نحوه و شیوه صدقه دادن (با آزار و منت یا بدون آن) نیز تابع شاکله است؟ تعبیر "یعمل" ژرف تر از تعبیر مصدری "عمل" است. این ژرفا را چگونه می‌توان به دست آورد.

سه) همچنین می‌توان از دامنه و فراگیری "یعمل" پرسید. آیا مراد همه رفتارها است یا مفاد قضیه جزئی و گزاره وجودی است؟ آیا هر انسانی در هر رفتاری بر شاکله اش عمل می‌کند یا در برخی رفتارها؟ اگر مراد برخی رفتارهاست، آنها کدامند؟ آیا رفتارهای غالب و آن چه به سهولت، بدون سنجش و رؤیت از فرد صادر می‌شود، تابع شاکله است؟

۴- «علی». حرف جار "علی"، برحسب تحلیل زبان دانان لغت عرب، معانی گوناگون دارد. واژه "علی" در این آیه نقش اساسی دارد و پیوند بین شاکله و فرآیند کنش با آن بیان شده است. به همین سبب تحلیل معنای "علی" در این آیه می‌تواند معنای شاکله مندی رفتار را نیز نشان دهد. آیا مراد از "علی" در این جا، "بر وفق" است؟ در این صورت، "بر

مسئله ششم) آیا شاکله قابل‌سنجش است؟ آیا می‌توان به‌دقت شاکله فرد را توصیف کرد و گفت این شخص چه شاکله‌ای دارد؟ اهمیت مسئله در این است که اگر در گزینش و انتصاب منابع انسانی، بخواهیم افراد را برحسب شاکله‌شان بشناسیم، نیاز به سنجش شاکله داریم.

مسئله هفتم) تعدد شاکله است. آیا فرد شاکله واحد دارد یا شاکله‌های گوناگون؟ این مسئله خود قابل تحلیل به دو مسئله است:

الف) آیا انسان، همان‌گونه که فیلسوفان در خصوص ملکه بیان می‌کنند، برحسب رفتارهای خیر و شر، شاکله‌های گوناگون پرخاشگری، امانتداری، راستگویی، دروغ‌گویی و... دارند؟

ب) در خصوص هر شاکله معین مانند شاکله رازداری، آیا انسان در تعاملش با خود، همان شاکله را دارد که در تعاملش با دیگران آن را دارد؟ می‌دانیم ممکن است فردی در رفتار ارتباطی درون شخصی متضاد با رفتار ارتباطی بین شخصی عمل کند؛ آیا فرد می‌تواند در این دو گونه رفتار ارتباطی، بلکه در چهارگونه رفتار ارتباطی<sup>۱</sup>، شاکله متضاد داشته باشد.

مسئله هشتم) شاکله چگونه حاصل می‌شود؟ عوامل مؤثر بر حصول و تغییر شاکله چیست؟ این مسئله از حیث روان‌شناسی اخلاق اهمیت فراوان دارد. آیا شاکله بر اساس عادت به رفتار حاصل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تکرار فعل سبب پیدایش شاکله گردد و سپس شاکله منشاء رفتار عادت می‌شود؟ همان‌گونه که عده‌ای از قداما درباره ملکه گفته‌اند. آیا

سه) مسئله دیگر در تحلیل "شاکله"، صرف‌نظر از معنا و مصداق آن، عمومیت و خصوصیت آن است: آیا مراد از "شاکله" که هرکسی بر وفق آن عمل می‌کند، حقیقت یا امر مشترک بین انسان‌ها است (شاکله عام نوعی) و یا خصلتی بین قوم، گروه اجتماعی خاص و یا صنف خاصی از انسان‌ها است (مشترک صنفی) و یا ویژگی و خصلت شخصی کنشگر است (شاکله مشخص)؟

چهارم) مسئله دیگر آنکه آیا شاکله امر ماهوی و به معنای جوهر نفس و طبیعت فرد است و یا امر عارضی، حالت و صفت لاحق بر جوهر نفس است؟ به تعبیر فیلسوفان آیا شاکله، بیانگر کمال اول است یا کمال ثانی؟ آیا می‌توان گفت شاکله ابتدا حالت و چگونگی عارض بر نفس است، ولی به تدریج صورت جوهری نفس می‌گردد؛ به گونه‌ای که نفس با آن صورت در روز رستاخیز مبعوث می‌گردد، همان‌گونه که ملاصدرا (متوفی ۱۰۵۱ هـ. ق) درباره ملکه نفسانی می‌گوید؟ (۱۷/۳). اگر مسئله سوم و چهارم را در ترکیب با یکدیگر لحاظ کنیم و مثلاً شاکله را خاص اشخاص و امر جوهری آنان بدانیم، مسئله دیگری به میان می‌آید: آیا گوناگونی اشخاص، گوناگونی نوعی است و اشخاص با یکدیگر اختلاف نوعی دارند. این مسئله‌ای است که فخر رازی با آن روبرو می‌شود.

مسئله پنجم) تحول‌پذیری شاکله است. آیا شاکله از تولد تا وفات امر ایستا است و یا انسان‌ها در رشد به لحاظ شاکله نیز تحول پذیرند؟ اگر شاکله تحول‌پذیر است، این تغییر اولاً چه جهتی از کمال دارد و استکمال شاکله چگونه تعریف و توصیف می‌شود؟ ثانیاً این تحول تابع کدام عامل و یا عوامل بیرونی و درونی است؟

۱. رفتار ارتباطی را به چهار قسم تقسیم می‌کنند: رفتار ارتباطی با خدا (قدسی)، رفتار ارتباطی با خود (درون شخصی)، رفتار ارتباطی با دیگر انسان‌ها (بین شخصی) و رفتار ارتباطی با محیط زیست (برون شخصی) (قراملکی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

ثانیاً بین "یعمل علی شاکلته" و انسان پیوستگی لزومی برخاسته از ماهیت انسان وجود دارد؛ و یا حکم به حسب قضایای خارجی است و حکم بر افراد محقق و تجربه شده تاریخی محدود است؟

۲- جستجو از سور دوم (سور یعمل). انس با منطق ارسطویی تحلیل گزاره را به صورت دارای سور واحد به مثابه الگوی نهم قضیه القاء می‌کند؛ در حالی که بسیاری از گزاره‌ها سورهای گوناگون دارند. در "کل یعمل علی شاکلته"، علاوه بر سور ظاهر کل، یعمل نیز محتاج سور است. هر کس هر کاری را بر وفق شاکله‌اش انجام می‌دهد یا هر کس برخی از کارها را بر وفق شاکله‌اش انجام می‌دهد؟ بر حسب سور کلی یا وجودی در یعمل مفاد گزاره متفاوت می‌شود.

۳- قضیه مطلقه یا مشروطه. در هر کسی بر وفق شاکله‌اش عمل می‌کند، موضوع انسان است. آیا ذات انسان موضوع است یا انسان به قید شرط؛ مثلاً انسان مادامی که صالح یا کافر است؟ در این صورت آیا قضیه از حیث جهت، ضرورت ذاتی یا وصفی، دوام ذاتی یا وصفی، فضیلت ذاتی یا وصفی است؟

#### مسائل برخاسته از سیاق و متن

آیه علاوه بر مفاهیم، ساختار منطقی معینی در پیوند متنی با آیات دیگر دارد. درنگ در ساختار و متن مسائلی را به میان می‌آورد.

۱- بخش نخست آیه که مورد بحث این نوشتار است؛ (قل کل یعمل علی شاکلته)، با بخش پایانی آیه (والله اعلم بمن هو اهدی سبیلاً)، چه پیوند معنایی دارد؟ آیا ذیل آیه نکته‌ای را در خصوص شاکله‌مند بودن کنش انسان نشان می‌دهد؟

شاکله بر اساس خودآگاهی، علم، صنعت و یادگیری حاصل می‌گردد؟ همان‌گونه که ملاصدرا دربارهٔ ملکه بیان می‌کند و از این طریق آن را از عادت متمایز می‌کند؟ (ملاصدرا: ۱۷/۳)؛ یعنی فرد بر حسب انجام آگاهانه رفتار، شاکله آن را پیدا می‌کند و این شاکله منشاء رفتارهای شاکله‌ای می‌گردد. آیا می‌توان گفت شاکله مفهوم اعمی است که هم از طریق عادت و هم از طریق یادگیری و رفتار آگاهانه حاصل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که بتوان گفت شاکله دارای دو گونه است: شاکله عادت و شاکله ملکه‌ای.

#### مسائل تحلیل گزاره‌ای

در آیه دو گزاره وجود دارد: الف) کل یعمل علی شاکلته ب) والله اعلم بمن هو اهدی سبیلاً. گزاره نخست موضوع تفسیر در شاکله است. مسائل مختلفی در تحلیل این گزاره به میان می‌آیند.

۱- حقیقی یا خارجی؟ آیه بر اساس سور موجب کلی، قضیه کلی است. شیخ اشراق (۵۸۷-۵۴۹ هـ. ق) در تلویحات (سهروردی، ۱۳۳۴: ۳۳) و فخرالدین رازی (۶۰۶-۵۴۴ هـ. ق) در ملخص (رازی، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۳) و شرح عیون الحکمه (رازی، ۱۴۰۰: ۱۲۸/۱). با الهام از ابن‌سینا (۴۲۸-۳۷۰ هـ. ق) قضایای کلی را به دو اعتبار حقیقی و خارجی تمایز نهاده‌اند. این تمایز از سده هفتم به بعد، نزد منطق‌نگاران دو بخش به سه اعتبار حقیقی، خارجی و ذهنی تحول یافته است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۱ الف: ۴۸۵-۴۶۳).

آیا کل یعمل علی شاکلته بر حسب قضایای حقیقی است؟ در این صورت اولاً حکم از آن افراد محقق و مقدر انسان است؟

گرو تفسیر دقیق شاکله است. اگر کسی شاکله را چنین تفسیر کند که «هرکسی بر وفق خصیصه‌اش عمل می‌کند» با سخن این همان گویا روبرو می‌شویم که صادق است اما مفید نیست. مفسران به پیام آیه توجه کرده‌اند. مثلاً مؤلف تقریب القرآن (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۳۴۱/۳) و نیز سید قطب (۱۴۱۲: ۲۲۴/۴) پیام آیه را تهدید کافران می‌دانند. تهدید بودن را باید در پیام آیه نشان داد. شوکانی، پیام آیه را سرزنش و ذم کافر و مدح مؤمن می‌داند (۱۴۱۴: ۳۰۱/۳). طوسی پیام آیه را هشدار انسان‌ها بر دوری از الفت با فساد می‌داند (بی‌تا: ۵۱۴/۶۱).

ما از خود و پدیدارهای محیط تجربه‌های گوناگون داریم. تجربه عرفی، سطحی‌ترین تجربه است که طی آن، بدون هیچ ابزار، چه نرم و چه سخت و به چشم سر حادثه را می‌بینیم و در همین سطح از آن آگاهی می‌یابیم. تجربه عرفی ما از رفتار خود و دیگران، حرکتی است که رخ می‌دهد؛ با چند و چونی خاص که فراچنگ حس ما می‌آید.

تجربه ژرف‌تر این حرکت را با ابزارهای مختلف بازنگری می‌کند. آیا آن فعل و حرکت است، یا عمل و کنش (فعل ارادی فاعل عملی)؟ آیا این رفتار تابع یک الگوی رفتاری درونی است؟ آیا آن برآمده از ویژگی درونی و شخصیتی است؟ تجربه عمیق‌تر از الگو، مبدأ سبب و ابعاد و لایه‌های تو در تو رفتار می‌رسد. علوم چون اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه عمل، در پی تجربه ژرف‌تر از رفتارند.

آیا می‌توان گفت ارتباط «يعمل» با «شاکله» در این آیه از حقیقت مهم و مؤثر در تربیت انسان‌ها سخن می‌گوید و الگویی را در آموزش اخلاق و تربیت ارائه می‌کند؟ رفتار آدمیان برحسب این آیه ظاهری است

۲- پیوند معنایی (کل يعمل علی شاکلته)، با آیه‌های پیش و واکنش انسان در برابر نعمت و شر چیست؟ آیا در پرتو این پیوند، شاکله معنای خاصی می‌یابد.

۳- آیه مورد تفسیر با آیه بعد (يسألونک عن الروحِ قُل الروح من امرِ ربی) چه نسبت معنایی دارد؟ آیا بین روح در آیه بعدی و شاکله در این آیه پیوند معنایی وجود دارد؟

### مسائل برخاسته از نگرش سیستمی

وقتی آیه را در منظومه معارف اسلامی لحاظ می‌کنیم، پیوند آیه با سایر عناصر اعتقادی می‌تواند مسایلی را به میان آورد. مهم‌ترین مسئله در اینجا، اختیار انسان و توحید فاعلی است.

۱- مسأله نخست: جبر و اختیار. پیوند بین شاکله و کنش، اگر پیوند سبب و مسببی باشد، مسئله دشوار جبر یا اختیار را به میان می‌آورد. اگر ما بر وفق و یا به سبب شاکله رفتار می‌کنیم، پس اراده و اختیار ما کجاست؟ پاسخ این مسئله در گرو تفسیر دقیق شاکله است. تفسیر شاکله به نیت و قصد، اختیاری بودن کنش آدمی را آشکار می‌سازد؛ اما تفسیر آن به جبلت و طبیعت، آن را به پس پرده ابهام می‌برد.

۲- مسأله دو: اسناد فعل به شاکله با اسناد هر فعلی به فاعلیت الهی چگونه تفسیر می‌شود؟ انسان به مقتضای شاکله‌اش عمل می‌کند یا به اراده الهی؟ از آنجا که مفسران این مسئله کلامی را در تحلیل آیات دیگر بررسی می‌کنند، در ذیل آیه مورد بحث سخن نگفته‌اند.

### پیام آیه

آیه با بیان این که هر انسانی بر وفق شاکله خود رفتار می‌کند، چه پیامی را می‌رساند؟ کشف این پیام در



شاکله‌ها چگونه‌اند و از کجا آمده‌اند، تابع کدام متغیرها هستند. مشاهده و آنگاه تحلیل نقادانه و هشیارانه از شاکله خود مصداق بارز محاسبه نفس (بعد مهمی از خودشناسی) است.

#### رهیافت بین رشته‌ای در تفسیر شاکله

تأمل در مسائل فراوانی که در مواجهه مسئله محور با آیه شاکله بیان شد و تدبیر در ارتباط شاکله با امور گوناگونی چون خودشناسی، نشان می‌دهد که هر چه در تفسیر آیه شاکله از توان بین رشته‌ای بهره ببریم، به ژرفای آیه بیشتر دست می‌یابیم. حصر توجه به چارچوب نظری یک گستره معرفتی، می‌تواند به برداشت یک بعدی و تحویلی نگر از آیه بینجامد؛ اما رویکرد بین رشته‌ای می‌تواند اولاً ره آورد گستره‌های معرفتی مانند روان‌شناسی، فلسفه و عرفان را نقادانه و به‌طور منسجم تلفیق کند و ثانیاً چالش رویکردهایی چون پدیدارشناسی، تاریخی، تفسیر ماثور می‌تواند رهیافت ژرف‌نگر را به میان آورد. مسایلی که بیان شد، غالباً چندتباری‌اند (مانند تحول‌پذیری شاکله، عوامل مؤثر بر شاکله، نسبت شاکله با خودشناسی و کمال نفس) مسائل چندتباری بدون اخذ رویکرد بین رشته‌ای قابل مطالعه نیست.

#### بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد مسئله محور به آیات قرآنی می‌تواند مخاطب آن را از مرز توجه به ساحت تفسیر و تدبیر فراتر ببرد. آیه شاکله از حیث مسائل فراوانی که برمی‌انگیزاند، ذهن تحلیلی را به تدبیر و ژرف‌نگری فرا می‌خواند.

این مسائل حاصل سه رهیافت تحلیلی مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی است. مصدر بودن آیه به "قل"، منقطع بودن "کل"، جستجو از سورهای مربوط به "يعمل" و "شاکله"، تمایز مفهومی عمل با فرایند

که باید آن را در پرتو باطن فهمید. رفتار این فرد در اینجا، پدیده‌ای تصادفی و رخدادی کورکورانه نیست؛ بلکه توجه به پیوند بین این ظاهر و آن باطن می‌تواند کنش نسبتاً پایدار و پیش‌بینی‌پذیری را از افراد ترسیم کند. بر این پایه، می‌توان با سنجش آن باطن به پیش‌بینی این رفتار نائل آمد. همان‌گونه که امروزه در عرصه اخلاق حرفه‌ای، به هنگام استخدام و یا انتصاب برحسب سنجش منش و سجدیه افراد، رفتارهای آنها را در محیط کسب و کار پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به پیوند بین کنش و آن چه در باطن آدمی از صفات یا ذات و یا ملکات ریشه کنش انگاشته می‌شود، می‌توان روش مؤثر تغییر رفتار را نیز پیدا کرد و از تغییر شاکله به دگردیسی کنش دست یافت.

#### جایگاه شاکله و خودشناسی

خودشناسی را سودمندترین شناخت‌ها دانسته‌اند. غالباً وقتی از شناخت خود سخن می‌گوییم، به تصویری نسبتاً پایدار از خود (رفتار، انگیزه‌ها و احساسات خود) اشاره می‌کنیم. شناخت خود در این اعتبار تلقی فرد از خود است<sup>۱</sup> که می‌تواند آن را در آینه دیگران و یا آینه خود بیابد و این تلقی یا انگاره می‌تواند مطابق با واقع باشد یا نباشد. معنای ژرف‌تر شناخت از خود، فرآیند هشیارانه لحظه‌ای و مستمر به خود است (قربانی، ۱۳۹۲: ۳۵ - ۳۲).

یکی از ابعاد شناخت خود که منشاء خودسازی است، شناخت هوشیارانه فرد از شاکله خود است. چه شاکله و شاکله‌هایی در من هست؟ این شاکله یا

۱. در سنت اخلاق در تمدن اسلامی دو الگوی شناخت خود وجود دارد: خود را به نقد دیگران سپردن، دیدن خود در آینه فرد. دومی به کندی منتسب است و اولی به محمدبن زکریای رازی (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱ ب: ۲۹۲-۲۸۷).

شوکانی، محمد. (۱۴۱۴ ق). *فتح القمیر*. بیروت: دار ابن‌کثیر/دارالکلم الطیب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۹۱ الف). *جستار در میراث منطق‌دانان مسلمان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ ب). *نظریه اخلاقی محمد بن زکریای رازی*. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*. تهران: سرآمد.

قربانی، نیما. (۱۳۹۲). *من به روایت من*. تهران: بینش نو.

لالانی، حاج علی و همکاران. (۱۳۹۱). *هندسه تعامل ادراکات و نفس در ساختار و عملکرد شاکله*. انسان‌پژوهی دینی. شماره ۲۸.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۱). *مثنوی*. به اهتمام برزگر خالقی تهران: زوار.

"یعمل"، نسبت بین یعمل و شاکله که در واژه "علی" آمده است، نسبت بین شاکله یک فرد با شاکله دیگر انسان‌ها، عمومیت، خصوصیت و تعیین شاکله، مفهوم شاکله و فرآیند شاکله‌مندی رفتار، نمونه‌ای از مسائل‌اند که تدبیر در آنها ژرفای نهفته آیه را آشکار می‌سازد.

### منابع

حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۴ ق). *تقریب القرآن إلى الأذهان*. بیروت: دارالعلوم.

رازی، فخرالدین. (۱۴۰۰ ق). *شرح العیون الحکمة*. به کوشش احمد حجازی و احمد السقاء. قاهره: مکتبه الأنجلو.

رازی، فخرالدین. (۱۳۸۱ ش). *منطق المخلص*. تحقیق و تعلیق احد فرامرزی قراملکی و آدینه اصغری نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق.

سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۳۴ ش). *منطق التلویحات*. به تصحیح علی‌اکبر فیاض. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شاذلی، سید قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ ق). *تفسیر فی ظلال القرآن*. بیروت/قاهره: دارالشروق.